سفرنامهٔ عتبات میرزا رضاخان مستوفی الملک

از مسافرت بکربلا در سنه ۱۳۲۹ و شرح گزارش ایام توقف
و مراجعت بایران از طریق جنوب تا طهران و کوچه [illegible] و محل سکونت
شامل مطالب نسبتاً مهم از وضع ایرانیان در آن سامان و شهرهائیکه در عراق دیده
و بعضی رسوم و عادات اعراب و قسمت مهم و مفید سفرنامه از ورود به ایران
و شرح آبادیها و روستاها که در بین راه خصوصاً خوزستان و خاک بختیاری بوده
و زندگانی ایلات و عشایر و نام کوهها و چشمه‌ها که هم فایده جغرافیائی و اجتماعی بسیار دارد
و چون تفصیل آنچه دیده و بنظر گذشته نگاشته مورد استفاده است
بطوریکه از خود سفرنامه گویا است نویسنده از مستوفیان بوده و از ملازمین حضور [illegible]
بسیار [illegible] رجال درباری و وزرا و معاریف آشنائی داشته و در جریان [illegible]
با وقایع سیاسی ایران ارتباط و اطلاع داشته و در مکاتبات در جریان بوده و در عتبات
هم اقداماتی در آن زمینه نموده چنانکه در وقعه اولتیماتوم که [illegible] روسها با ایران
نویسنده علمای عتبات را تحریک به ترک نماز جماعت نموده و مجلس در وقعه شهادت ائمه علیهم السلام
[illegible] مجالس ترحیم در نجف و کربلا [illegible] اقدامات دیگر در این سنه
نموده است عبارت سفرنامه سلیس و روان و [illegible] است مانند [illegible]
حاکیه [illegible] دستور داد فهرست مطالب و نام جاها را دادم [illegible]

١١٧۶

سفرنامهٔ عتبات میرزا رضاخان بستان الملک

از مسافرت کربلا در سنه ١٣٢٩ و شرح گزارش ایام توقف
تا مراجعت بایران از طریق جنوب طهران و کوچه ابخت و محمره کویت
تمامی مطالب نیست مهم از وضع ایرانیان در آن سامان و شهرهائیکه در عراق دیده
و بعضی رسوم و عادات اعراب و قسمت مهم و مفید سفرنامه از ورود بایران
و شرح آبادیها و دهستانها که در بین راه خصوصا خوزستان و خاک بختیاری دیده
و از وضع ایلات و عشایر و نام کوهها و چشمهها که هم فواید جغرافیائی و اجتماعی بسیار دارد
...

آقا سید احمد ١	حاجی الوان عرب ٧
آقا سید حسن ١	آقا جواد ٨
آقا سید محمود ٢/١	سید علی ٨
سید حسن سر قدم ١	محمد حسن ٩
آقا زاده مصطفی خان ٢	معتمد الوزاره ... ١٠
نصرالله خان ٢/٥/٨	کاربرد ایران در کربلا ١١
محمد علی ... ٢	آقا زاده سید قاسم ١١
حاج سید ٢/٥/٨	نادر میرزا حسین خان ١٢
عبدالکریم فرزند مولف ٢ عبدالکریم خان ٧	... ١٣
قاضی ٢	... ١٣
کلید دار ٢	
... ٢	
... ٢	
سلیمان ... ٣	
... ٣	
... ٤	
... الملک ٤	
... ٥	
حضرت آقا ... ٥	
سرکار آقا ٦	
... دیوان ٦	
محمد صادق ... ٦	
... ٦	
حاج ... خان ٧	
... ٧	
... ٧	

اتمام حجت ... ١ | انجمن سعادت ٣
اتحاد و ترقی ٣
طاق زعفرانی ٥

دوره $\frac{١٢}{١٨٩}$

١١٧۶

[illegible]

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

جمع | خرج

(وقایع یومیه)

روز یکشنبه [illegible] شهر شوال المکرم ۱۳۲۹ [illegible]

[illegible]

1

منزل آمده آقازاده مصطفی خان [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] آقا سید احمد رفت آقای مصطفی

خان هم [illegible] ساعت سه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] آقازاده مصطفی [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] آقا شیخ [illegible] آقا سید [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

روز دوشنبه نهم — اول آفتاب در حرم مطهر حضرت ابوالفضل [illegible]

[illegible] تشریف [illegible]

[illegible]

[illegible] آقا سید احمد [illegible] آقا سید حسین [illegible] مصطفی خان [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

سید حسین [illegible] سید احمد [illegible]

[illegible] حضرت آقا [illegible] آقا سید حسین [illegible]

مصطفی خان هم تشریف آورده [illegible]

[illegible] رفتیم [illegible] آقا سید قاسم [illegible] رفتیم [illegible]

[illegible] رفتیم باغ [illegible]

[illegible] آفتاب [illegible]

[illegible] ساعت یک [illegible]

بخانه آمدیم ساعت دو نیم نهار حاضر بود نهار خورده ساعت چهار خوابیدیم
نزدیک غروب بیدار شدم وقت نماز بود برخاستم [illegible] و بعد از آن [illegible]
[illegible] شده خوابیدیم [illegible] برخاستم که صبح طلوع شده بود [illegible] برخاسته وضو گرفته
نماز صبح را در منزل خواندم و بعد از آن مشرف شدم بحرم [illegible] مشرف شدم
[illegible] عبدالکریم [illegible] و بعد [illegible] حضرت آقا [illegible]
[illegible] جواب [illegible]

[illegible]
[illegible]

[illegible] ساعت از شب گذشته بحرم حضرت ابوالفضل مشرف شده از
آنجا هم [illegible] کعبه [illegible] مشرف [illegible] رفتیم بخانه آقا سید محمد [illegible]
[illegible] رسیده آمدیم بمنزل از آنجا آقا سید احمد [illegible] برای [illegible] با آقا سید احمد
رفتیم بخانه [illegible] ساعت [illegible] [illegible] کرده [illegible]
کردم [illegible] بمنزل آمدیم [illegible] آقا سید حسین [illegible] گفتند امروز [illegible] است که
[illegible] رفتیم [illegible] عریضه [illegible] کردم
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] آقا سید حسین [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] گفتند [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] اگر [illegible] ساعت [illegible] آقا سید احمد [illegible] [illegible] رفتیم
[illegible] کردم [illegible] [illegible] حرم [illegible] حاضر شد [illegible]
کرده بودند [illegible] گذشته [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] عبدالکریم [illegible] گفته بودند [illegible] آقای [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] آقا سید حسین [illegible]
[illegible] [illegible] گفته [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] آقا سید محمد [illegible] و آقا سید احمد [illegible] رفتیم [illegible]
[illegible] آقا سید حسین [illegible] [illegible] [illegible] شدیم بخانه [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] نشسته ساعت [illegible] [illegible]
[illegible] رفتیم بخانه آقا سید حسین [illegible] [illegible] ساعت [illegible]
[illegible] آقا سید جلال و سید یوسف [illegible] آقا [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] رفتیم [illegible] آقا سید حسین
آقای مصطفی خان [illegible] آقا سید حسین آقا [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] گاهی [illegible] وقت مغرب [illegible] خوانده آمدیم

زیارت [illegible] خوانده ساعت دو بمنزل آمده نهار خورده ساعت سه و نیم خوابیدیم

[illegible]

روز چهارشنبه ۱۰ [illegible] حرم [illegible] بخانه کعبه [illegible] حضرت ابوالفضل رفته
[illegible] آقا سید احمد [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] آقای مصطفی خان نشسته بودند [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] رفتیم [illegible] آقا سید حسین [illegible] گفتند [illegible]
[illegible] [illegible] بمنزل [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] آقای مصطفی خان [illegible]
[illegible] [illegible] جواب [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] ساعت [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] آقا سید حسین [illegible] [illegible]
مصطفی خان و آقا سید حسین قسمت [illegible] عبدالکریم [illegible] آقا جواد [illegible]
[illegible] آقا سید احمد [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] زیارت [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] مغرب [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] زیارت
کرده ساعت سه بمنزل آمده آقای مصطفی خان هم [illegible] خورده ساعت چهار [illegible]

[illegible]

رفته [illegible] خوابیدیم

روز پنجشنبه ۱۱ [illegible] ساعت برخاسته [illegible] مشرف شده نماز خوانده زیارت [illegible]
[illegible] حاضر کرده [illegible] [illegible] چای خورده [illegible]
[illegible] زیارت [illegible] [illegible] زیارت [illegible] خوانده [illegible]
ساعت [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] ساعت [illegible] بمنزل آمدیم [illegible] حمام بردم [illegible] بمنزل
[illegible] [illegible] حمام [illegible] [illegible] رفتم [illegible]
[illegible] آقا سید حسین [illegible] [illegible] بمنزل [illegible]
[illegible] [illegible] بمنزل [illegible] [illegible]
[illegible] ساعت [illegible] آقا سید احمد [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] قرآن [illegible] [illegible] مغرب [illegible]
خوانده ساعت [illegible] بمنزل [illegible] ساعت چهار خوابیدیم

[illegible]

روز جمعه ۱۲ [illegible] ساعت [illegible] برخاسته وضو گرفته نماز خوانده [illegible]
[illegible] بمنزل آمده [illegible] حمام [illegible] [illegible] ساعت

[illegible]

تقریباً دو ساعت طول کشید [illegible] بعد از ظهر ساعت چهار [illegible] رفتیم [illegible]

[illegible]

[illegible] رفتیم [illegible] آقای [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible] زیارت [illegible] ساعت [illegible] منزل آمده شام خورده

ساعت [illegible] خوابیدیم [illegible]

روز چهارشنبه [illegible] ساعت [illegible]

[illegible] زیارت [illegible] زیارت [illegible]

ساعت [illegible] منزل [illegible]

[illegible] منزل [illegible] آقای [illegible] آمده غذا خوردیم [illegible]

[illegible] ساعت چهار [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] سید حسین [illegible] حرم حضرت [illegible]

[illegible]

[illegible] حرم حضرت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] زیارت [illegible]

[illegible]

[illegible] منزل آمده ساعت [illegible] غذا خورده خوابیدیم [illegible]

روز پنجشنبه [illegible] ساعت [illegible] ۱۵ [illegible]

[illegible] زیارت [illegible]

زیارت حضرت [illegible] منزل آمده [illegible]

[illegible]

ساعت چهار [illegible]

[illegible] غذا خورده [illegible]

[illegible] حضرت [illegible] حرم مبارک [illegible]

[illegible]

[illegible] زیارت [illegible]

ساعت [illegible] منزل [illegible] غذا خورده

در ساعت چهار [illegible] خوابیدیم الحمد لله رب العالمین

[illegible]

روز چهارشنبه بیست و چهارم   صبح زود از خواب برخاسته که چای صرف شد بعد از [illegible] رفتیم
[illegible] سید احمد [illegible] تا شیخ احمد [illegible] شیخ حسین [illegible] مرحوم [illegible] شیخ فضل [illegible]
[illegible] صحبت [illegible] شیخ احمد [illegible] شیخ حسین [illegible] [illegible]
[illegible] ناهار [illegible] منزل آمده [illegible] که غذا خورده ساعت [illegible] غروب
[illegible] تشریف آوردند [illegible] نشسته [illegible] داشتند [illegible] [illegible]
[illegible] حضرت [illegible] مرحمت [illegible] مبارک [illegible] ساعت [illegible]
[illegible] خورده خوابیدیم

روز پنجشنبه بیست و پنجم   صبح [illegible] رفتیم [illegible]
[illegible] سید احمد [illegible] عرض کنند [illegible]
منزل [illegible] [illegible] شیخ [illegible] [illegible]
[illegible] سید حسین [illegible] رفتند [illegible] سید حسین [illegible]
[illegible] منزل آمدیم غذا [illegible] ساعت [illegible] صرف که [illegible]
[illegible] غروب [illegible] شیخ [illegible]
[illegible] نزدیک غروب [illegible] صرف [illegible] در مرحوم [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] شب [illegible]
[illegible] زیارت [illegible] قرائت [illegible]

شام ساعت [illegible] مرحوم [illegible] حضرت [illegible] صرف شد ساعت [illegible]
مراجعت کردم [illegible] حضرت سید الشهداء [illegible] حضرت [illegible]
[illegible] [illegible] جناب [illegible]
[illegible] است [illegible] دست [illegible]
[illegible] قدری [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] خوابیدیم [illegible]
[illegible] ساعت [illegible] صبح [illegible] [illegible]
[illegible] ساعت ده
[illegible] مراجعت [illegible]
روز جمعه بیست و هشتم   نزدیک آفتاب [illegible] مراجعت کردم [illegible]
[illegible] قدری [illegible] غذا [illegible]
[illegible] آقا سید حسین [illegible] مصطفی خان [illegible]
[illegible] صبح [illegible] [illegible]
مراجعت [illegible] حضرت آقا [illegible]
[illegible] زیارت [illegible] صحبت [illegible]
[illegible] ساعت [illegible] منزل آمده غذا خورده
خوابیدیم [illegible]

روز شنبه بیست و ششم   صبح [illegible] برخاسته [illegible] صرف [illegible] مرحوم [illegible]
زیارت [illegible] حضرت [illegible] آقا مصطفی خان [illegible]
[illegible] [illegible]
[illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] آقا سید حسین تشریف [illegible]
[illegible] [illegible]
[illegible] [illegible]
[illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible]
[illegible] منزل [illegible] حضرت [illegible] صرف [illegible] مراجعت [illegible]
[illegible] ساعت [illegible] منزل [illegible] غذا [illegible]
[illegible] مصطفی خان تشریف [illegible] غذا خورده ساعت [illegible]
[illegible] [illegible]

[illegible] ساعت [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible]
[illegible] [illegible]
[illegible] [illegible]
[illegible] [illegible]
[illegible] [illegible]
[illegible] [illegible]
[illegible] [illegible]
روز یکشنبه بیست و نهم   [illegible] آفتاب [illegible] مرحوم [illegible] آفتاب
منزل مراجعت [illegible] صرف که جناب آقا سید حسین [illegible] تشریف آوردند [illegible]
[illegible] مراجعت کرده [illegible] منزل [illegible] شیخ [illegible]
[illegible] ساعت [illegible] مرحوم [illegible] صرف [illegible]
[illegible] مرحوم [illegible] ساعت [illegible] غروب [illegible]
[illegible] ساعت [illegible] رفتیم [illegible] آقا سید [illegible]
[illegible] [illegible] ساعت [illegible]
مرحوم حضرت [illegible] صرف شد [illegible] مرحوم [illegible]
زیارت [illegible] ساعت [illegible] منزل [illegible] شب [illegible]
[illegible]

احمدم در صبح [illegible] خداوند این طور رفته رفته رو به صحت است الحمد لله رب العالمین
روز دوشنبه [illegible] — ساعت [illegible] از رختخواب برخاسته [illegible]
[illegible] حرکت کردم [illegible]
[illegible] رفتم [illegible] بحرم مشرف شده
تا ساعت [illegible] مراجعت کردم [illegible]
[illegible] حرم حضرت ابا الفضل [illegible] زیارت [illegible]
[illegible] رفتم منزل آقا سید حسین آقا [illegible]
آقای مصطفی خان [illegible] مراجعت کرده
آقای مصطفی خان هم تشریف آوردند قدری نشستند [illegible]
[illegible] غروب مراجعت [illegible] حضرت ابا الفضل [illegible]
مطهر مشرف [illegible] مراجعت منزل [illegible] آقای مصطفی خان [illegible]
منزل رفتند [illegible] خوابیدم
روز سه شنبه غره ذیقعدة الحرام ۱۳۲۹ — ساعت [illegible] از خواب برخاسته [illegible] زیارت
مشرف بحرم [illegible] مشرف شده [illegible] مراجعت کرده آقای [illegible]
[illegible] حضرت ابا الفضل
ساعت [illegible] با آقا سید احمد مراجعت کرده آقای مصطفی خان [illegible]
[illegible]

[illegible] صورت [illegible]
[illegible]
[illegible] ساعت [illegible]
آقا میرزا [illegible] آقا میرزا ابراهیم [illegible]
[illegible] مشرف [illegible] ساعت [illegible] منزل آمدم [illegible] ساعت [illegible] خوابیدم

[illegible]

روز چهارشنبه [illegible] ذیقعده ۱۳۲۹ — [illegible]
[illegible] مشرف شدم [illegible]
[illegible] حضرت ابا الفضل [illegible] منزل آمده [illegible]
[illegible] آقا سید احمد آقا سید حسین [illegible] آقای مصطفی خان
منزل [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] حرم حضرت ابا الفضل [illegible]
مشرف [illegible] ساعت [illegible] منزل آمده غذا خورده خوابیدیم

روز پنجشنبه [illegible] — شب را [illegible] با آقای [illegible]
[illegible]
[illegible] مراجعت کردم [illegible]
[illegible]
[illegible] ساعت [illegible]
[illegible] ساعت [illegible] منزل آمدم [illegible]
[illegible] مراجعت [illegible] ساعت
[illegible] منزل آمده غذا خورده خوابیدیم [illegible]
[illegible] الحمد لله رب العالمین
روز جمعه [illegible] — صبح [illegible] حرم مطهر مشرف [illegible] زیارت
[illegible]
[illegible] منزل آقای مصطفی خان [illegible]
[illegible] مشرف [illegible]
[illegible] منزل [illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت ابا الفضل مشرف
تا ساعت [illegible] منزل [illegible]
[illegible]

روز شنبه [illegible] — شب [illegible]
[illegible] ساعت [illegible]
[illegible] ساعت [illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت [illegible] حضرت امام جعفر صادق علیه السلام [illegible]
حضرت ابا الفضل [illegible] ساعت [illegible] منزل
آمده غذا خورده ساعت [illegible] خوابیدیم
روز یکشنبه ششم — [illegible]
[illegible] ساعت [illegible]
[illegible] زیارت [illegible] حضرت ابا الفضل [illegible] ساعت [illegible]
[illegible] ساعت [illegible] منزل آمدم غذا خورده [illegible] ساعت
[illegible] غذا خورده ساعت [illegible] خوابیدیم [illegible]
روز دوشنبه هفتم — صبح [illegible] ساعت [illegible]
[illegible] آقا سید حسین آقا تشریف آوردند [illegible]

[illegible]

[illegible] اتفاق آقازاده مصطفی خان و آقا سید حسین آقا رفتیم به حمام [illegible] و [illegible] در حمام [illegible]

[illegible] غذا خورده یک ساعت به غروب [illegible] آقا [illegible]

[illegible] آقا سید حسین آقا [illegible] ساعت [illegible] رفتیم [illegible]

[illegible] آقا سید [illegible] رفت [illegible]

[illegible] ساعت چهار [illegible] آقا سید [illegible]

[illegible] ساعت ده [illegible] آقا [illegible]

[illegible] آقا سید [illegible] شدیم [illegible] فردا [illegible]

[illegible]

[illegible] آقای مصطفی خان [illegible]

[illegible] ساعت [illegible]

[illegible]

مصطفی خان مشرف [illegible] در دفتر [illegible] مشرف شد [illegible]

عصر را خوابیدم [illegible] غروب منزل آمده غذا صرف [illegible] یک ساعت [illegible] غروب [illegible] مشرف [illegible]

[illegible] ساعت [illegible] منزل آمده ساعت [illegible]

[illegible] ساعت چهار [illegible] خوابیدیم

روز سه‌شنبه [illegible] ساعت ده برخاسته [illegible] ساعت یازده [illegible]

[illegible]

[illegible] ساعت [illegible]

[illegible] منزل [illegible] ساعت [illegible] ساعت [illegible]

[illegible] ساعت [illegible] غذا خورده ساعت ده [illegible] به اتفاق آقازاده [illegible]

[illegible] ساعت [illegible]

[illegible] ساعت [illegible] غذا صرف و ساعت چهار خوابیدیم

روز چهارشنبه [illegible] ساعت یازده از خواب برخاسته [illegible]

[illegible] ساعت [illegible] منزل آمده [illegible]

[illegible]

[illegible] ساعت [illegible] ساعت چهار [illegible]

[illegible] ساعت [illegible] منزل [illegible]

[illegible] ساعت [illegible] غذا خورده [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

روز شنبه پنجم   ساعت ده برخاسته آقا شیخ علی آمده با آقایان آمدیم رفتیم حمام
حرم که منزل آمده چای خورده آقا شیخ علی اول آفتاب آمده رفتیم [illegible] اعظم
دنیا و آخرت مشرف شد [illegible] وداع [illegible] اقوام [illegible]
[illegible] حرم [illegible] رفتیم [illegible]
[illegible] زیارت [illegible]
[illegible] الحمدلله رب العالمین [illegible] زیارت [illegible]
ساعت پنج [illegible] شد رفتیم [illegible] منزل آمدیم آقا سید [illegible]
[illegible] غذا خورده [illegible] حرم مطهر مشرف شد [illegible]
زیارت [illegible] ساعت [illegible] منزل آمده چای خورده [illegible]
یک ساعت بغروب رفتیم [illegible] زیارت [illegible]
[illegible] حرم مشرف شد زیارت [illegible]
ساعت [illegible] منزل آمده غذا خورده [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
روز جمعه [illegible]   ساعت ده از خواب برخاسته [illegible] حرم مشرف شدیم
[illegible]

دیروز رجب تعطیل شد تا ساعت شش رفتیم [illegible]
خورده ساعت [illegible]
[illegible] منزل [illegible]
حرم مطهر مشرف شد ساعت [illegible] منزل آمده غذا خورده ساعت شش [illegible] خوابیدم
[illegible]

روز شنبه [illegible]   ساعت [illegible] از خواب برخاسته [illegible] حرم مشرف شدیم
[illegible] منزل [illegible] غذا خورده [illegible]
[illegible]
[illegible] حرم مطهر رفتیم [illegible]
[illegible] زیارت [illegible]
تا ساعت [illegible] منزل آمده غذا خورده خوابیدیم ساعت یازده برخاسته
حرم مطهر مشرف شد [illegible] منزل آمده [illegible] خورده
[illegible]
رفتیم حمام [illegible]
زیارت [illegible] زیارت [illegible]
[illegible] زیارت [illegible]
[illegible] منزل [illegible] غذا خورده [illegible]
حرم مشرف شد ساعت [illegible] ~~[illegible]~~ [illegible]

۳۶

الحمدلله بعد از نماز [illegible] ساعت پنج [illegible] حرم مشرف شد [illegible]
زیارت کرده [illegible] حرم مطهر رفتیم زیارت [illegible]
نماز [illegible] منزل آمده چای خورده [illegible]
[illegible]
[illegible] منزل [illegible]
[illegible]
[illegible] حرم مشرف شد [illegible] منزل آمده ساعت [illegible] غذا خورده خوابیدیم [illegible]
[illegible] الحمدلله
[illegible] حرم مشرف شد [illegible] منزل آمده ساعت [illegible]
[illegible]
خادم حضرت [illegible]
[illegible] منزل آمده غذا خورده [illegible]
مشرف شد ساعت [illegible] منزل آمده غذا خورده خوابیدیم
[illegible]   ساعت ده برخاسته حرم مطهر مشرف شد [illegible] منزل آمده چای
خورده آقا سید [illegible]
[illegible] منزل آمده غذا خورده [illegible]
[illegible]
[illegible] مشرف شد [illegible] حرم مطهر آمده ساعت [illegible] منزل [illegible] غذا خورده خوابیدیم

[illegible]

۳۷

روز جمعه بیست و نهم   سحر برخواسته بحرم مطهر مشرف شد نماز خوانده بمنزل مراجعت کرده ساعت سه [illegible]

آقا رضا [illegible] شیخ [illegible] ساعت پنج و نیم [illegible]

[illegible] رفتیم بحمام ساعت شش [illegible] بحرم مشرف شد زیارت جامعه را [illegible]

جامعه [illegible] سؤال کرده [illegible] اول [illegible] گفتم [illegible]

[illegible] در حقیقت این [illegible] امام حضرت است [illegible]

مشرف شده بمنزل آمده غذا خورده ساعت سه بغروب [illegible] رفتیم اول [illegible]

آقا سید کاظم یزدی [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]



[illegible]

[illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible]

[illegible] ده [illegible] رفته [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

1178